



هفت‌نامه  
**اُتیه‌نو**

A T I V E H N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه  
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)  
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:  
ابراهیم رستمیان مقدم  
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم  
شماره ۲۲، طبقه پنجم  
تلفن تحریریه: ۸۸۵۱۷۰۸۵-۶  
www.Atiyehnoweekly.ir  
چاپ: هنر سرزمین سبز  
آگهی و اشتراک: ۸۸۵۱۷۰۹۱  
ناظر چاپ: علی توتونی

• وزیر پست شهر- ۱۷۱ •  
• سرین ظهیری •

## شادی قشنگ پیر

سیب‌ها را می‌دهم دست حاجیه‌خانم، می‌گذارم وسط سفره، سیب‌ها برای فاتحه پنج‌شنبه از راه دور آمده‌اند، بوی سیب‌قرمز شهرم، هوا را خوش‌مزه می‌کند، سیب‌ها به لهجه خوردم، دلبری می‌کنند؛ میان اثویه آش شله‌قلمکار و حلواهای دست‌پخت زن‌های قدیمی، زن‌ها دور سفره، کتاب دعا به‌دست آخرین ذکرها را می‌خوانند. پرچم سه‌رنگ ایران را گذاشته‌اند وسط سفره، آخرین ذکرها بلندبلند گفته می‌شود، آخرین دعاها، آخرین صلوات‌ها فرستاده می‌شود. وقتی نوبت دعا به بچه‌های تیم ملی می‌رسد، حاج‌خانم‌های عمردیده، با تمام وجودشان آمین می‌گویند و دست‌ها را با تمنا بیشتری بالا می‌برند. صورت‌ها سمت خدا، چشم‌ها ورای سقف، آن سوی آسمان را نشانه گرفته‌اند.

محبت‌خانم دست می‌کند تا سیب قرمزی بردارد. سرش را بالا می‌آورد و نگاهم روی گونه‌های چروک‌خورد‌اش مات می‌ماند. روی گونه‌های کهنه محبت‌خانم، پرچم سه‌رنگی نقاشی شده، با دقت و بدون بیرون‌زدگی. پرچم چروک می‌خورد وقتی محبت‌خانم می‌خندد: «می‌بینی مامان مسیح، نوه‌ام چه کرده با من، با گوش، لپام رو رنگ کرده پدر صلواتی، گفته عزیز جون، خبر سرت کمتر بخند، چروک نشه پرچمی که کشیدم. اما هرچه می‌کنم امروز بیشتر از همیشه خندم می‌گیره، خوشگل شدم، نه...»

به محبت‌خانم اطمینان می‌دهم که شده عین یک دسته‌گل، عین قرص ماه، سفره کم‌کم جمع می‌شود و این جور که پیداست قرار است خانم جلسه‌ای‌ها با هم، بازی ایران و چین را ببینند. بازی که شروع می‌شود پیرزن‌ها چشم از تلویزیون برنمی‌دارند، آن‌ها بازی ایران و چین را می‌بینند و من بازی نگاه آن‌ها را. بازی امیدها، بازی آرزوها، بازی دل جوان و گونه‌های پیر. پارادوکس تمنا و امید. پیرزن‌ها اینجا راحت‌اند انگار، با هر حرکت تیم که بوی گل می‌دهد تن سنگین درمندان‌شان را به هوا پرتاب می‌کنند. زانودرد یادشان رفته و کمرهایشان از درد دیر سال کهنه رها شده. جوان‌های ایرانی می‌دوند. مادر بزرگ‌ها خیز برمی‌دارند، ایران گل دوم را که می‌زند محبت‌خانم از حال می‌رود. گونه‌هایش رنگ‌به‌رنگ می‌شود. آب‌قند می‌آورند محبت‌خانم حالش روبه‌راه می‌شود. به خودش می‌آید و کش‌دار و غلیظ می‌خندد. پرچم قشنگ روی گونه‌هایش دوباره چروک می‌خورد.



## همکاری ایران و سازمان جهانی جهانگردی در زمینه توسعه گردشگری روستایی

سند همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران و سازمان جهانی جهانگردی در اسپانیا امضا شد. به گزارش «ایسنا»، این تفاهم‌نامه در حاشیه نمایشگاه گردشگری «فیتور» اسپانیا به امضای علی اصغر مونسان، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و زوراب پاولیکا شویلی، دبیرکل سازمان جهانی جهانگردی رسید. همکاری در زمینه بوم‌گردی و گردشگری روستایی، یکی دیگر از محورهای این سند همکاری است. با لحاظ کردن برنامه کاری سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۲۰ و برنامه گردشگری ایران، پیشنهاد شده ایران و سازمان جهانی جهانگردی در سال ۲۰۲۰، یک همایش مشترک بوم‌گردی روستایی برگزار کنند.

ایاتیه‌نو

جایی برای حرف‌های خودمانی

۱۶ | اُتیه‌نو

## طنز کارگری

## یاد بگیر!

انتظار نیست که مجبور شوید برای جمع کردن بخش خصوصی پخش شده روی زمین، اورژانس و آتش‌نشانی خبر کنید.  
**صبح تا شام پی‌آمارید**  
**چون مه و مهر، همه در کارید**  
**همه گویند که حامی توایم!**  
**جان من، سربه‌سرم نگذارید**

تازه از این گذشته، مخبرهای سیاه‌نما هیچ از آن ۳۰ درصد خوش‌بین حرفی نزدند. البته ممکن است آن ۳۰ درصد کمی تا حدودی بخش «اختصاصی» باشد تا «خصوصی» ولی به هرحال می‌بینید که این‌ها مثل بچه‌های خوب

به چی؟ ما نمی‌دانیم اما به هرحال اگر حالش بد بود که نمی‌خندید. اگر باور نمی‌کنید بروید سراغ یک تولیدکننده و صفحه اول ده تا روزنامه مملکت را بگذارید جلوی چشم. تیترو مصاحبه اولی راب‌لند بخوانید: «با تمام توان از بخش خصوصی حمایت می‌کنیم، شروع می‌کند به خندیدن. مصاحبه بعدی: «باید موانع تولید را از پیش پای صاحبان حرفه و تولید برداشت.» ریس می‌رود. سومی را می‌خوانید: «حمایت از تولید داخلی از اولویت‌های ما در وزارتخانه است.» آن قدر می‌خندد که اشک توی چشمش جمع می‌شود. همین‌طور اگر تا روزنامه دهم جلو بروید دور از

• سرعت گیر - ۳۸ •  
• عبدالله مقدمی •

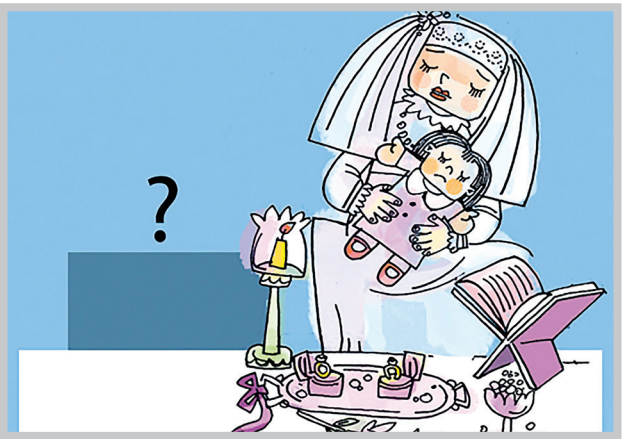
اول، خبری منتشر شد که «هفتاد درصد بخش خصوصی نسبت به آینده اقتصادی کشور خوش‌بین نیستند». بعد از آن، جماعت رنود از سعه‌صدر مسئولان عزیز سوءاستفاده کرده، شروع به جنجال و سیاه‌نمایی کردند که «ای جماعت چرا نشسته‌اید که وضع تولیدکننده خصوصی ال است و بل است.» بعد شروع کرده‌اند راززار گریه کردن برای تولیدکننده خصوصی که خودش دارد قافه‌ای می‌خندد. حالا

## بحث داغ شبکه‌های اجتماعی:

## سن مناسب برای ازدواج کدام است؟

از طرح افزایش سن ازدواج، نوشت: «مادر من در ۱۴ سالگی ازدواج کرد، ۱۵ سالگی برادرم به دنیا آمد، آن قدر خونریزی کرد که اگر در یکی از بهترین بیمارستان‌های تهران نبود حتما می‌مرد. (...) کودک باید عروسک‌بازی کند نه بچه‌داری، دختر نوجوان باید جوانی کند نه شوهرداری.» کاربر دیگری به نام «اعظم» نیز از تجربه مادر خودش در این رابطه سخن گفت و خطاب به موافقان ازدواج در سن مجازی نیز در این خصوص نوشت: «مشکلی که در رابطه با ازدواج در برخی نقاط کشور ما هست کاهش یا افزایش سن ازدواج نیست، بلکه ازدواج اجباری است و این مخصوص کم‌سن‌ها نیست، طرح کودک‌همسری هم صرفاً برای حواس‌پرت‌کنی است و راه به جایی نمی‌برد اینکه منفعل باشیم و مسائل مهم رو رها کنیم و جو غالب شود سن ازدواج، یعنی بازی خوردن.» کاربری به نام نوشین اما در دفاع

یکی از مخالفان این طرح است که افزایش سن ازدواج را نقضه‌ای از جانب غرب برای تحدید جمعیت ایران می‌داند. او در این باره نوشت: «یکی از برنامه‌های عوامل غربی برای براندازی نظام، تحدید نسل است. عوامل منفی بر فرزندآوری شامل افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق، فاصله مجازی نیز در این خصوص نوشت: «مردم ازدواج با تولد اولین فرزند و... است.» محمدصدرات، روحانی فعال در شبکه‌های مجازی نیز در این خصوص نوشت: «مشکلی که در رابطه با ازدواج در برخی نقاط کشور ما هست کاهش یا افزایش سن ازدواج نیست، بلکه ازدواج اجباری است و این مخصوص کم‌سن‌ها نیست، طرح کودک‌همسری هم صرفاً برای حواس‌پرت‌کنی است و راه به جایی نمی‌برد اینکه منفعل باشیم و مسائل مهم رو رها کنیم و جو غالب شود سن ازدواج، یعنی بازی خوردن.» کاربری به نام نوشین اما در دفاع



www.tamin24.ir



دروازه‌ای به دنیای سیاست‌های اجتماعی نوین

@www.tamin24ir